

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده  
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

( 17 )

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران ( توفان )

## بخش هفتم

### یک حسابرسی

دو سال و نیم جنگهای خونین داخلی و مداخله گرانه ، مرگ 7 000 000 مرد و زن و کودک روسی را چه در جبهه جنگ و چه در اثر گرسنگی و امراض ، به همراه داشت. بر اساس ارزیابی های بعدی دولت شوروی ، خسارات مادی ناشی از این جنگ به 60 میلیارد دلار بالغ میشد ، مبلغی که به مراتب از بدهکاری های دولت تزاری به متفقین فراتر میرفت. هیچ گونه جبران خسارتی از جانب متجاوزین پرداخت نشد .

در مورد هزینه جنگ علیه روسیه که از جیب مالیات دهندگان کشورهای متفق پرداخت میشد ، ارقام رسمی بسیار اندکی منتشر گردید. بر اساس یک یادداشت صادره از طرف وینستون چرچیل در 15 سپتامبر 1919 ، بریتانیا تا آن زمان حدود 100 میلیون استرلینگ و فرانسه بین سی تا چهل میلیون لیره برای انگلیس خرج بر داشت. ژاپنی ها خود صرف هزینه ای بالغ بر 900 میلیون ین را برای نگهداری نفرات خود در سیبری ، تایید کردند.

و اما چه انگیزه ای در ورای این جنگ اعلان نشده ، بیهوده و پر خرج قرار داشت ؟ ژنرال های سفید بی پرده پوشی برای احیاء روسیه بزرگ خود ، برای املاک ، منافع و امتیازات طبقاتی و نشان های خود می جنگیدند. اگر چه در درون ارتش های سفید معدودی افراد ملی گرا هم وجود داشتند ، ولی این ارتش ها کلاً در تسلط عناصر مرتجع قرار داشتند. این عناصر الگوی کامل افسران و ماجراجویان فاشیستی بودند که میرفتند بعدها در اروپای مرکزی ظهور نمایند. اهداف جنگی متفقین در روسیه کمتر روشن بود .

تبلیغات سخنگویان دول متفق در مورد این جنگ تنها جنبه های سیاسی آنرا در بر می گرفت. آنها این جنگ را بعنوان یک جهاد سیاسی علیه بلشویسم به جهانیان عرضه میکردند. با وجود این آنتی بلشویسم در حقیقت نقش دوم را در این جریان دارا بود و آنچه که انگیزه اصلی این جنگها را تشکیل میداد فاکتورهایی چون الوار روسیه شمالی ، زغال سنگ دونتس ، طلای سیبری و نفت قفقاز و غیره بود.

منافع عظیم امپریالیستی چون انگلیس برای ایجاد یک فدراسیون سراسری در قفقاز که هندوستان را احاطه و راه نفوذ روسیه به آنرا سد میکرد و بعلاوه تسلط انگلیس بر میدانهای نفتی خاورمیانه را تضمین مینمود ، در میان بود . نقشه ژاپن اما ، دایر بر تصرف و استعمار سیبری بود. فرانسوی ها نقشه کنترل نواحی دونتس و دریای سیاه را در سر می پروراندند. نقشه وسیع و جاه طلبانه آلمان بر تصرف ایالات بالتیک و اوکراین دور میزد.

یکی از نخستین حرکات دولت شوروی به هنگام تصرف قدرت ، ملی نمودن تراست های عظیم اقتصادی امپراطوری تزارها بود. معادن ، آسیابها ، خطوط آهن ، چاههای نفت و کلیه بنگاههای عظیم صنعتی روسیه به مالکیت دولتی خلق شوروی درآمد. دولت شوروی استقرضات رژیم تزاری را بر

این اساس که این وامها بطور عمده برای کمک به رژیم تزار در سرکوبی انقلاب خلق، اعطا شده است، بدون اعتبار اعلام نمود. ( 1 )

امپراطوری تزاری ، با تمام فخر فروشی هایش در مورد ثروت و قدرتش، در حقیقت نیمه مستعمره ای بود برای منافع سرمایه های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی. سهام مالی فرانسه در رژیم تزاری به مبلغ 17 592 000 000 فرانک بالغ میشد. منافع انگلیس 72 درصد زغال سنگ، آهن و پولاد در روسیه را در بر میگرفت. سالیانه صدها میلیون فرانک و لیره استرلینگ ثمره تلاش کارگران و دهقانان روسی به جیب منافع خارجی متفق با تزار سرازیر میگردد. پس از انقلاب بلشویکی، سالنامه بازار بورس لندن در سال 1919 ، تحت عنوان " حساب روسیه " نوشت :

" گروهها و افرادی در این کشور وجود دارند که از پولها و سهامهایی در روسیه برخوردارند و برای سرنگونی رژیم قدیم روسیه امکان داشت از استثمار کارگران و کشاورزان روسی 10 یا 20 درصد منافع بدست آید. در سوسیالیسم احتمال هیچ گونه بهره ای نخواهد بود . اکنون می بینیم که منبع بزرگ بهره وری در این کشور به نحوی از انحاء با روسیه شوروی در ارتباط است. " سخنران مزبور در ادامه سخنانش گفت که بر اساس ارزیابی سالنامه روسی 1918 ، مجموع سرمایه گزاری های انگلیس و فرانسه در روسیه به رقمی حدود 1 60 000 000 لیره استرلینگ یا حدود هشت میلیارد دلار میرسد.

" بگذارید رک و پوست کنده صحبت کنیم . هنگامی که ما از مخالفت مارشال فوش و مردم فرانسه با امر صلح با روسیه دم میزنیم، منظورمان کارگران و دهقانان فرانسوی نیست بلکه نظیرمان سوی سهامداران فرانسوی است یعنی مردمی که سودهای نا صوابشان همان یک میلیارد و ششصد میلیون لیره استرلینگی را تشکیل میدهد که در روسیه فرو برده شده است . "

کمپانی نفتی رویال داچ شل در روسیه، کمپانی نفتی اورال- کاسپین، مخازن نفتی شمال قفقاز، کمپانی بزرگ اسلحه سازی انگلیسی مترو ویکرز در کنار کمپانی فرانسوی شنايدر کرزو و کروپ آلمان، کنترل کلیه صنایع نظامی تزاری را در دست داشتند، بانکهای عظیم انگلیسی و فرانسوی چون هورز، برینگ برادرز همبراس، کردی لیونه، سوسیتته ژنرال روتچیلدز و کنتراناسیونال و پاریس، همه و همه مقادیر هنگفتی در رژیم تزاری سرمایه گذاری کرده بودند .....

سرهنگ ملون به اطلاع مجلس عوام رساند که :

" کلیه این منافع عظیم به یکدیگر بافته شده اند و همه آنها به ادامه جنگ با روسیه علاقمندند. در کنار این منافع و سرمایه ها که در آنطرف ساختمان این مجلس منزل کرده اند، روزنامه ها و تاثیرات دیگری موجودند که وظیفه شکل دادن به آراء عمومی را در این مملکت به عهده دارند . "

برخی از سخنگویان متفقین ، درباره اهدافشان دایر بر حمایت از ارتش های سفید در روسیه کاملاً رو راست بودند.

سر فرانسویس بیکر، مدیر بخش اروپای کمپانی ویکرزو رئیس کمیته اجرایی اطاق بازرگانی روس- انگلیس، در یکی از ضیافتهای کلوپ بریتانیا- روسیه که با شرکت صاحبان بزرگ صنایع و سیاستمداران در سال 1919 در لندن بر پا شده بود حاضرین را چنین مخاطب قرار داد :

" ما برای آدمیرال کالچاک و ژنرال دنیکین آرزوی موفقیت میکنیم و شخصاً فکر میکنم نظری بالاتر از این نباشد که جام خود را به سلامتی آدمیرال کالچاک، ژنرال دنیکین و ژنرال یودنیچ بلند کنیم ! روسیه کشور بزرگی است . همه شما، بخاطر تماس نزدیکی که از طریق معاملاتتان با این کشور دارید از امکانات روسیه چه از نظر صنعت و چه از لحاظ ثروت طبیعی و چیزهای دیگر آگاهید. چرا که روسیه از هر ثروت ممکن برخوردار است ... "

به هنگامی که سیل نفرات و مهمات انگلیسی و فرانسوی بدون سیبری سرزیر میشد، بولتن فدراسیون صنایع انگلیس، نیرومندترین اتحاد صاحبان صنایع انگلیس، مطلب را به این صورت توضیح داد:

" سیبری غول آسازترین جایزه ای است که پس از فتح امریکا، به دنیای متمدن اهدا شده است! "

زمانی که تروپهای متفقین بطرف قفقاز تاخته و باکو را اشغال کردند، مجله بازرگانی انگلیس بنام خاور نزدیک گزارش داد که:

" باکو از لحاظ نفت بی نظیر است.... باکو از هر شهر نفتی دیگر دنیا بزرگتر می باشد. اگر نفت شاه باشد، باکو تخت سلطنت آن است! "

هنگامی که ارتش سفید ژنرال دنیکن، تحت حمایت متفقین به حوزه زغال سنگ دن سرزیر شد، آر. مارتنز و شرکاء شرکت بزرگ زغال سنگ انگلیس، در نشریه تجاری خود " روسیه " چنین آوردند:

" روسیه از مخازن مکشوفه زغال سنگی برخوردار است که از لحاظ عظمت تنها پس از ایالات متحده قرار دارد. بر اساس ارزیابی منتشره از طرف کنگره زمینشناسی جهانی تنها در حوزه دونتس (جایی که ژنرال دنیکن در حال عملیات است) بیش از سه برابر منابع آنتراسیت انگلستان و تقریباً دو برابر کمیت در دسترس ایالات متحده زغال موجود است. " و بالاخره نشریه " فروشنده ژاپنی " این طور جمع بندی می کند:

" روسیه با 180 میلیون جمعیت آن، با زمین حاصل خیزش که از اروپای مرکزی تا سواحل اقیانوس آرام و از قطب شمال تا دریای خزر و دریای سیاه وسعت دارد.... با امکانات بازاری که حتی خوش بین ترین افراد جرأت بخواب دیدن آنرا نداشته است... روسیه در حقیقت این انبار غله، مخزن ماهی، الوارخانه، معدن زغال سنگ، طلا، نقره و طلای سفید جهان! " مهاجمین انگلیسی، فرانسوی و ژاپنی مجذوب آن غنائمی شده بودند که در انتظار فاتح روسیه بود. نیروی محرکه امریکا در امر دخالت، ترکیبی از مقاصد مختلف بود. سرمایه گذاری امریکا در رژیم تزار کوچک بود. معذالک به سفارش وزارت امور خارجه امریکا، میلیونها دلار امریکایی بداخل روسیه ریخته شد، تا حکومت متزلزل کرنسکی تقویت گردد. وزارت امور خارجه به حمایت از کرنسکی، در طی چند سال پس از انقلاب بلشویکی، ادامه داد و حتی " سفارت روسیه " را در واشنگتن تحت حمایت مالی قرار داد. برخی از مقامات وزارت امور خارجه با ژنرال های سفید و مداخله گران انگلیسی، فرانسوی و ژاپنی فعالیت داشتند. قابل ذکر ترین فرد امریکایی که خود را با جنگ ضد شوروی هم نوا کرده بود هربرت هوور رئیس جمهور بعدی امریکا بود که در آن زمان گرداننده غذایی سازمان ریلیف امریکا بشمار میرفت.

هربرت هوور مهندس معدن سابق بود که قبل از جنگ اول توسط کنسرنهای انگلیسی استخدام شده بود، دارای سرمایه گذاری هایی در چاههای نفت و معادن در روسیه بود. رژیم فاسد تزاری از مقامات عالی رتبه و اشراف زمینداری اشباع شده بود که حاضر بودند ثروت و نیروی کار کشور را در مقابل رشوه های خارجیان و یا سهمی در غارت آنان به معامله بگذارند. علاقه هوور به نفت روسیه به 1909 بر می گشت، زمانی که اولین چاهها در مایکوپ افتتاح شده بودند. وی در عرض یک سال در یازده کمپانی نفتی دارای سهام گردید:

سندیکای نفتی مایکوپ

کمپانی نفتی مایکوپ- شیروانسکی

کمپانی نفتی مایکوپ آپشرون

تراست ژنرال پترولیوم و مایکوپ

شرکت نفت و محصولات نفتی مایکوپ

کمپانی نفتی نواحی مایکوپ

کمپانی نفتی دره مایکوپ

کمپانی نفتی مایکوپ میوچوال  
سندیکای مایکوپ- هادی ژنسکی  
کمپانی تولید کنندگان جدید مایکوپ  
میدانهای نفتی مختلط مایکوپ

تا قبل از پایان سال 1912، این مهندس سابق معدن با میلیونر معروف انگلیسی لزلی ارکهارت در سه کمپانی جدید شریک شده بود.

این سه کمپانی برای استخراج چوب و مواد معدنی در کوههای اورال و سیبری تاسیس شده بودند. ارکهارت سپس بین شرکت روس- آسیای خود و دو بانک تزاری معامله ای برقرار نمود که بر اساس آن، شرکت کلیه عملیات آینده استخراج معادن در آن نواحی را بر عهده بگیرد. سهام شرکت روس- آسیا از 16/25 دلار در سال 1913 به 47/5 دلار در سال 1914 افزایش یافت. در همان سال شرکت مزبور سه امتیاز پر سود جدید را در رژیم تزاری بدست آورد که شامل مواد زیر بود:

حدود یک میلیون هکتار زمین شامل مخازن الوار وسیع و نیروی آب و مخازن ارزیابی شده طلا، مس، نقره و روی بالغ بر 7 262 000 تن؛

12 معدن آماده استخراج، 2 ذوب مس، 20 آسیاب، 400 کیلومتر راه آهن، کوره های انفجاری، کارخانه ورق آهن، کارخانه های اسید سولفوریک، تصفیه طلا، مخازن عظیم زغال سنگ. ارزش کل این مستقالات به یک میلیارد دلار تخمین زده میشود.

تا قبل از سال 1917، هوور خود را از شرکت روس- آسیا بیرون کشیده و دارایی های خود در روسیه را فروخته بود. پس از انقلاب بلشویکی، امتیازاتی که هوور در گذشته در آنها سهم بود ملغاً شده و معادن وی نیز بوسیله دولت شوروی مصادره گردید. هربرت هوور در کنفرانس صلح پاریس گفت:

" بلشویسم از جنگ بدتر است! "

این شخص میرفت تا پایان زندگی بصورت یکی از سر سخت ترین دشمنان دولت شوروی باقی بماند. حقیقتی است که، هر چه نیروی محرکه شخص او می خواست باشد، آن غذا های امریکایی ارتش سفید را پا بر جا نگاه داشته و تروپهای صاعقه ارتجاعي ترین رژیم ها را در اروپا که دست در کار سرکوبی طغیان های، مردمی در راه دموکراسی بودند، تغذیه نمود. به این ترتیب بود که سازمان ریلیف امریکا سلاحی گردید بر علیه جنبش های توده ای در اروپا. (2)  
هوور بعدها در نامه ای که بتاريخ 17 اوت 1921 به اروالد گریسون ویلارد نوشت اظهار داشت:

" تمامی سیاست امریکا به هنگام آرمیس تیس مصروف این بوده است که تا آنجا که در قوه دارد از بلشویکی شدن اروپا و یا تصرف آن توسط ارتش های آن جلوگیری کند ".  
تعریف این شخص از بلشویسم با تعاریف فوش، پتن، ناکس، ریلی و تاناکا تطابق کامل داشت. وی چه بعنوان وزیر بازرگانی، چه بعنوان رئیس جمهور امریکا و چه بعداً، بعنوان رهبر جناح انزوا طلبان حزب جمهوری خواه امریکا، همواره و بطور خستگی ناپذیری برای ممانعت از استقرار روابط دوستانه بازرگانی و سیاسی بین امریکا و نیرومندترین متفق آن علیه فاشیسم یعنی اتحاد شوروی مبارزه کرد.

اما دخالت نظامی در روسیه به شکست انجامید و این نه تنها بخاطر همبستگی و قهرمانی بی سابقه خلقهای شوروی بود که برای دفاع از آزادی تازه بدست آمده خویش می جنگیدند بل بخاطر حمایتهایی نیز بود که توده های دموکرات سراسر جهان از جمهوری شوروی بعمل میآوردند. در فرانسه، انگلستان و ایالات متحده، افکار عمومی بشدت تمام با ارسال نفرات، تجهیزات، مواد غذایی و پول برای ارتش های ضد شوروی در روسیه به مخالفت برخاسته بود. کمیته هایی تحت عنوان " دستها از روسیه کوتاه! " تشکیل شده بود. کارگران به اعتصاب دست میزدند و سربازان بر علیه سیاست های مداخله جویانه ستاد های ارتش شورش می نمودند. مردان سیاسی،

روزنامه نگاران، آموزگاران و بسیاری بازرگانان دموکرات بر علیه این جنگ اعلان نشده و بی دلیل اعتراض می نمودند. سر هنری ویلسون رئیس ستاد ارتش انگلیس، به این عدم حمایت عمومی در مورد سیاست مداخله گرانه متفقین، بی پرده پوشی، اعتراف نموده و در روز اول دسامبر 1919، در کتاب آبی انگلیس چنین مینویسد :

" دشواری های متفقین در فرموله کردن سیاستی در مورد روسیه حقیقتاً لاعلاج است. چراکه در هیچ یک از کشورهای متفق، حمایت عمومی کافی برای توجیه دخالت نظامی علیه بلشویکها، در مقیاس قابل توجه وجود نداشته است. نتیجه غیر قابل اجتناب این که عملیات نظامی از هدف و انسجام برخوردار نبوده اند "

به این ترتیب پیروزی ارتش سرخ بر دشمنانش بعنوان پیروزی جهانی برای خلق های آزادی خواه همه کشورها بود. یک دلیل دیگر برای شکست مداخله گران نیز عدم اتحاد در میان خود آنان بود. محرکین دخالت، نماینده انتلافی از ارتجاع جهانی بودند، معهذاً این انتلافی بود خالی از یک همکاری واقعی. انگلیسی ها از امیال فرانسویان در مورد دریای سیاه و اهداف آلمانی ها در نواحی بالتیک بیمناک بودند. امریکایی ها هوای آنها داشتند که اهداف ژاپنی ها در سیبری را بهدر ببرند. بهمین ترتیب ژنرال های سفید بودند که بر سر غارت و چپاول خود با یک دیگر در جنگ و جدال بودند.

جنگ مداخله جویانه بطور مخفیانه و دزدانه آغاز و با شکستی مفتضحانه برای متفقین پایان گرفت. ارثیه ای از کینه و عدم اعتماد میرفت فضای اروپا را برای ربع قرن بعدی، آلوده سازد.  
پایان کتاب یکم

\* \* \* \* \*

توضیحات :

( 1 ) : پس از کشتارهای مهیب یهودیان در سال 1906 که توسط " صدهای سیاه " در تبتانی با پلیس مخفی تزاری انجام گردید، آنا تول فرانس ( نویسنده بزرگ فرانسوی. م ) سرمایه داران فرانسوی را که به اعطای وام به رژیم تزاری ادامه می دادند، بشدت مورد حمله قرار داد :  
" تا که هموطنان ما، سرانجام، گوش شنوایی داشته باشند، به آنان اخطار میشود که چنانچه بار دیگر به دولت روسیه وامی عرضه کنند تا در سراسر امپراطوری عظیم و محنت زده اش بگلوله ببندد و به دار بیاویزد، کشتار و غارت نماید و آزادی و تمدن را نابود سازد، آن روز شوم برای آنان نیز فرا خواهد رسید. شهروندان فرانسه ! برای این ستم ها و دیوانگی های جدید پولی پرداخت نکنید. میلیاردها پول خود را در راه شهادت تعداد بی شماری از انسانها، صرف نکنید ! "  
( 2 ) : فعالیت های هربرت هوور بعنوان گرداننده ریلیف غذایی در جهت همکاری به سفیدها و جلوگیری از هر گونه تامینات برای شوروی ها بود. صدها نفر در خاک شوروی، در گرسنگی بسر می بردند ..... هنگامی که سرانجام هوور در برابر افکار عمومی مجبور به عقب نشینی گردید و مقداری مواد غذایی را بسوی شوروی ها فرستاد، به گفته یکی از ماموران ریلیف در خاورمیانه به " دخالت در امر جمع آوری کمکهای نقدی برای قحطی زدگان روسیه، ادامه داد ".  
در فوریه 1919، هنگامی که وی سمت وزارت بازرگانی را داشت، نشریه نیویورک گلوب سر مقاله خود چنین تحلیل داد :

" بوروکرات هایی که در سرتاسر وزارت دادگستری، وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی نفوذ کرده اند به منظور پیشبرد تبلیغات خود به جنگی خصوصی با دولت بلشویک ادامه میدهند ..... آقایان هیوز ( از ثروتمندان امریکایی. م ) ، هوور و دافرتی به نفعشان است که قبل از اینکه خشم عمومی به اوج خود برسد، وضع خانه های خود را روبراه کنند. مردم امریکا دیگر این بوروکراسی متکبری را که حاضر است بخاطر اغراض کوتاه نظرانه خود، میلیونها انسان بیگناه را به مرگ سوق دهد، تحمل نخواهند کرد. "

.....  
بهمن ادیب 2006/06/05

